

اعتباریابی پرسشنامه جامع فرزندپروری عمومی در والدین کودکان ۱۳-۵ سال*

◆ اعظم مرتضوی^۱ ◆ دکتر محمود تلخابی^۲ ◆ دکتر میثم صادقی^۳

چکیده:

فرزندپروری تکلیفی چندوجهی است و چگونگی تحقق‌پذیری این تکلیف والدی نقشی مهم در رشد و تحول کودکان به‌ویژه در دوران اولیه کودکی دارد. علیرغم وجود تعداد بسیاری از پرسشنامه فرزندپروری، اختلاف نظری قابل توجه در مورد بهترین نحوه ارزیابی فرزندپروری وجود دارد. بسیاری از ابزارها تنها جوانب محدودی از فرزندپروری را ارزیابی می‌کنند. از این رو، شناسایی و سنجش ساختارهای اصلی فرزندپروری و تبیین مؤلفه‌های شناختی آن برای انجام پژوهش در حوزه رشد کودک و خانواده الزامی است. به‌منظور رفع این کاستی، اعتباریابی پرسشنامه جامع فرزندپروری عمومی در جامعه ایرانی با تمرکز بر ارزیابی همزمان طیف گسترده‌ای از رفتارهای چندگانه فرزندپروری انجام شد. این ابزار رفتارهای والدین را در پنج ساختار اصلی فرزندپروری (پرورش، ساختار، کنترل رفتاری، کنترل با اجبار و مراقبت بیش از حد) بررسی می‌کند. پژوهش حاضر از نوع توصیفی بود. جامعه آماری شامل والدین و مراقبان ایرانی دارای کودکان ۱۳-۵ سال بود. تعداد ۴۱۶ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و فرم نظرسنجی برخط را تکمیل کردند. در این پژوهش از روشهای تحلیل عاملی و تکنیکهای مدل‌سازی پرسش - پاسخ استفاده شده است. پرسشنامه تقلیل‌یافته (۸۰ آیتم) برازش خوبی را آشکار کرد. تحلیل عاملی تأییدی نیز ساختار پنج‌عاملی (شامل ۸۰ آیتم) را تأیید کرد. همسانی درونی پنج حوزه فرزندپروری در دامنه مطلوب قرار گرفت. بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که نسخه فارسی پرسشنامه جامع فرزندپروری عمومی از ویژگیهای اندازه‌گیری مطلوب برخوردار است و به‌منزله یک ابزار مناسب می‌تواند در جامعه ایرانی مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژگان: اعتباریابی، فرزندپروری عمومی، کودکان

© تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۲۶

© تاریخ دریافت: ۹۹/۱۱/۲۸

* این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول است.

۱. دانش‌آموخته دوره کارشناسی ارشد، رشته ذهن، مغز و تربیت، مؤسسه آموزش عالی علوم شناختی، پردیس، تهران، ایران.

E-mail: kiara.mortazavil@gmail

۲. نویسنده مسئول: استادیار گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

۳. استادیار گروه روانشناسی شناختی، مؤسسه آموزش عالی علوم شناختی، پردیس، تهران، ایران.

E-mail: M.Sadeghi@icss.ac.ir

مقدمه

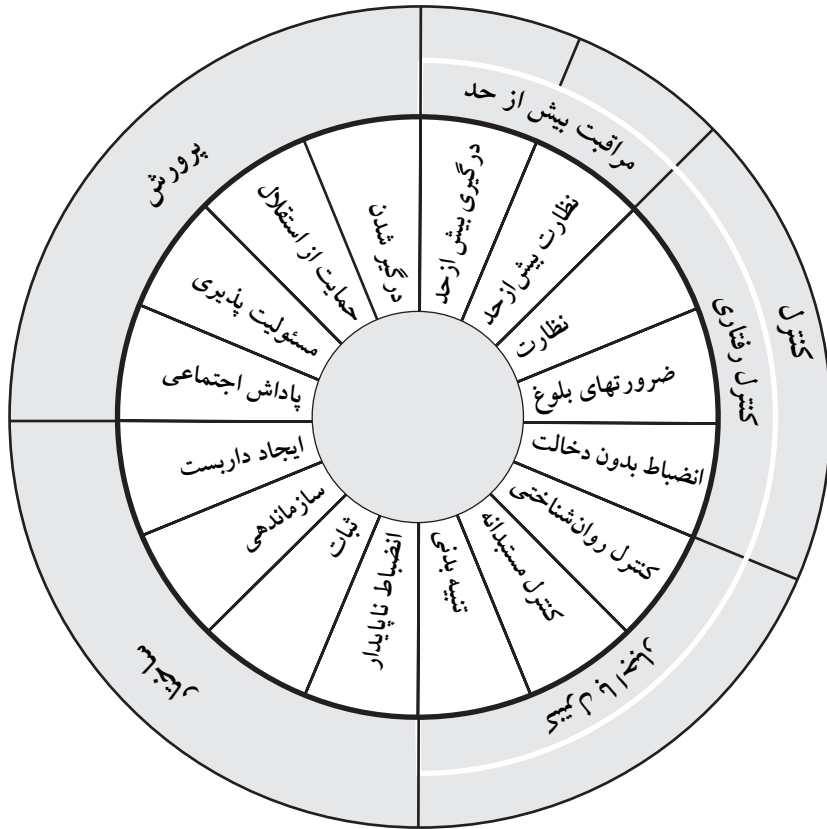
فرزندپروری تکلیفی چندوجهی است و غالباً به‌عنوان رویکردی تعریف می‌شود که والدین در تربیت فرزندان خود به‌کار می‌برند و تابعی از رویکردها، باورها و رفتارهای والدین است که سبب ایجاد یک فضای عاطفی خانوادگی می‌شود. مفهوم‌سازی و سنجش رفتار والدی یک مؤلفه اصلی پژوهش در مورد رشد کودک به‌شمار می‌آید که پژوهشگران و درمانگران بیش از پیش به موضوع ارزیابی رفتار والدین پرداخته‌اند (هرلی^۱، ۲۰۱۴).

والدین با به‌کارگیری شیوه‌های فرزندپروری تحت عنوان رفتارهای خاص محیطی فرزندپروری برای سازگاری اجتماعی کودکان در جهت برخی از رفتارها همچون انجام دادن تکالیف منزل یا کارهای روزمره می‌توانند بر طیفی وسیع از رفتارهای کودک تأثیر بگذارند. فرزندپروری از دیدگاه‌های مختلف نظری همچون روان‌تحلیلی، نظریات ویگوتسکی، یادگیری عامل، یادگیری اجتماعی، پذیرش-طرده، دلبستگی و خودتعیین‌گری بررسی شده است. به‌خلاف پژوهش‌های اولیه که پیامد شیوه‌های خاص فرزندپروری را در رشد کودک بررسی می‌کرد (مثلاً، ماهیت و زمان از شیر گرفتن) اغلب رویکردهای نظری (به‌ویژه رویکردهای عامل و ویگوتسکی) منجر به مطالعاتی شده‌اند که به بررسی همبسته بودن رشد کودک با تغییرات میان‌موقعیتی در رویکرد فرزندپروری عمومی پرداخته‌اند که اغلب به‌عنوان سبک یا ابعاد فرزندپروری مورد استناد قرار می‌گیرند. این مطالعات کمتر روی کاری که والدین انجام می‌دهند، متمرکز شده‌اند و بیشتر بر چگونگی انجام دادن آن تمرکز دارند.

اسکینر^۲ و همکاران (۲۰۰۵)، در یک مقاله مروری نشان دادند که مستقل از دیدگاه نظری، اکثر پژوهشگران بر سه بعد اصلی شیوه‌های فرزندپروری متمرکز شده‌اند: صمیمیت در مقابل طرد، ساختار در مقابل بی‌نظمی و حمایت از استقلال در مقابل اجبار. در ارزیابی‌های سبک فرزندپروری طی ۵۰ سال گذشته این سه محور قابل‌تمایز است.

اسلدنز^۳ و همکاران (۲۰۱۴) نیز در طراحی ابزار خود بر این سه بعد تمرکز کرده‌اند و به این ابعاد پرورش والدی، ساختار و کنترل اطلاق شده است. اگرچه پرورش و ساختار در ادبیات فرزندپروری به‌خوبی تعریف شده است اما اشکال چندگانه کنترل را برخی از پژوهشگران شناسایی کرده‌اند. تصور بر این است که برخی از شیوه‌های کنترل مانند اشکال مناسب، برای راهنمایی و هدایت (که به آن کنترل رفتاری نیز اطلاق می‌شود) از رشد کودکان حمایت می‌کند و سایر اشکال کنترل که شامل سخت‌گیری والدی، نگرانی یا درگیری بیش از حد والدی (مراقبت بیش از حد) و تسلط یا سرزنش والدی (کنترل با اجبار) است، مانع رشد کودکان می‌شود. بر این اساس اسلدنز و همکاران پنج ساختار فرزندپروری را شناسایی کرده‌اند که تفاوت‌های اساسی فردی در رفتار فرزندپروری عمومی را توصیف می‌کنند. شکل شماره ۱ مدل جامع فرزندپروری عمومی را نشان می‌دهد.

1. Hurley
2. Skinner
3. Sleddens



شکل ۱. مدل جامع فرزندپروری عمومی. یادداشت: مدل پنج‌عاملی فرزندپروری به‌کارگرفته شده در طراحی پرسشنامه جامع فرزندپروری عمومی. اسلدنز و همکاران (۲۰۱۴)

سازه پرورش بیانگر میزانی است که والدین به سبب حمایتگر بودن و پاسخگو بودن به نیازهای فرزند خود، ابراز علاقه نسبت به فعالیت‌های کودک، وقت گذراندن با او، تحسین کردن کودک برای رفتار خوب و ابراز محبت و توجه (روهنر^۱، ۱۹۸۶) نسبت به فرزندشان، فردیت و خودباوری را در کودک پرورش می‌دهند و بازشناسی می‌کنند. چهار زیرساختار مرتبط با پرورش شامل «پاسخگو بودن» (میزان آگاهی والدین از احساسات، مسائل و مشکلات فرزندشان و نحوه پاسخگویی آنها به روش حمایتی و دلسوزانه)، «حمایت از استقلال» (تشویق کودکان به ابراز احساسات و عقاید خود)، «پاداش اجتماعی» (تحسین کودک به‌طور کلامی به‌عنوان پاداشی برای رفتار خوب) و «درگیر بودن» (حضور در رویدادها و فعالیت‌های کودک و وقت‌گذرانی با آنها) است.

1. Rohner

ساختار عبارت است از میزانی که والدین با کمک به فرزندشان در مواقع لزوم و با اعمال مستمر قوانین و محدودیتها برای دستیابی تدریجی به یک هدف خاص، محیط پیرامون کودک را سازماندهی می‌کنند. زیرساختارها مشتمل اند بر «انضباط ناپایدار» (کنش آشفته، غیرقابل پیش‌بینی و تا انتها دنبال نکردن به هنگام اعمال انضباط به فرزند خود)، «ثبات» (کنش به شیوه قابل پیش‌بینی از طریق فراهم‌آوری و توضیح دستورالعملهای روشن و ثابت، اجرای آن قوانین و عمل به وعده‌هایی که به کودک داده شده است)، «سازماندهی» (کمک به فرزند خود برای سازماندهی فعالیتهای منظم) و «ایجاد داریست» (قرار دادن کودکان در معرض فعالیتهایی که موجب رشد مهارتهای جدید می‌شود، همکاری کافی برای کمک به آنها در یادگیری و حل مسائل تا کودکان به‌طور مستقل قادر به انجام دادن تکالیف باشند).

کنترل رفتاری والدینی را می‌توان در زمره این ساختار قرار داد که نظارت و مدیریت فعالیتهای فرزندشان را برعهده دارند، انتظاراتی شفاف برای رفتار (که به‌مثابه ضرورت‌های بلوغ اشاره می‌شود) در نظر می‌گیرند و از رویکردهای انضباطی به شیوه بدون دخالت استفاده می‌کنند. امتیازدهی بالا به کنترل رفتاری، یعنی والدین سطوحی مناسب از کنترل را فراهم می‌کنند که خیلی سخت‌گیرانه یا بیش از حد کنترلگری نیست، بلکه به کودک خود اجازه می‌دهند فضای کافی برای توسعه استقلال و عدم وابستگی داشته باشد. کنترل رفتاری اشاره به «تمایل والدین در عملکرد به‌منزله یک عامل اجتماعی شدن» دارد. زیرساختارها عبارت‌اند از: «نظارت» (نظارت بر فعالیتهای کودک)، «ضرورت‌های بلوغ» (انتظارات برای رفتار)، «انضباط بدون دخالت» (استفاده از رویکردهای انضباطی که عمدتاً مبتنی بر توضیح رفتارهای بد کودک، سلب امتیازات و اصلاح کودک به شیوه بدون دخالت است) و «در نظر گرفتن درونداد کودک» (خیلی سخت‌گیر نبودن در ارائه فضایی برای رشد شخصی به کودک).

مراقبت بیش از حد به استثنای چند مطالعه (مثلاً هولمبک^۱ و همکاران، ۲۰۰۲؛ کیل و باس^۲، ۲۰۱۱)، بیشتر آنچه درباره اثرات منفی مراقبت بیش از حد والدی نوشته شده است، منتج از مطالعات موردی بالینی درباره «والدین هلیکوپتری» است. والدینی که به‌طور افراطی مراقبت‌گرند، امتیازی بالا در «درگیر شدن بیش از حد» (پرورش بیش از حد) و «نظارت بیش از حد» (کنترل سخت) ثبت می‌کنند. باور بر این است که والدین از طریق مداخله در توسعه استقلال کودکان، بر رشد کودک تأثیر منفی می‌گذارند. در این مطالعه به‌منزله درگیر شدن یا نظارتی تعریف می‌شود که با توجه به سطح رشد ذهنی کودک، افراطی است. بنابراین اگر یک والد، سطحی از درگیر شدن یا نظارت کردن را نشان بدهد که برای یک کودک بسیار خردسال مناسب‌تر است، افراطی تلقی می‌شود. زیرساختارها عبارت‌اند از «درگیر شدن بیش از حد» (اجازه ندادن به کودک برای درگیر شدن در فعالیتهایی که احتمال ضعیف شکست وجود دارد و گذراندن هر لحظه فراغت با کودک)، «نظارت بیش از حد» (کنترل مکرر کودک که او کجاست

1. Holmbeck
2. Kiel & Buss

و چکار می‌کند بدون در نظر گرفتن تناسب این رفتار با سن کودک).

ساختار کنترل با اجبار به والدینی استناد می‌کند که با ویژگی فشار، اجبار، سلطه و ممانعت از استقلال و فردیت کودک توصیف می‌شوند. زیرساختارها عبارت‌اند از «کنترل مستبدانه» (والدینی که تمایل دارند سخت‌گیرانه قوانین را اجرا کنند، توقع دارند فرزندشان قضاوتها، ارزشها و اهداف آنها را بی‌چون و چرا بپذیرد و همیشه در تلاش برای کنترل احساسات فرزندشان‌اند؛ بامریند، ۱۹۷۱)، «تنبیه بدنی» (به‌عنوان روشی برای نظم بخشیدن به کودک)، «کنترل روان‌شناختی» (رفتارهای والدی که مداخله‌گر و دستکاری‌کننده افکار، احساسات و دلبستگی فرزندان به والدین‌اند همچون القای احساس گناه و اضطراب، دوری از عشق، عبارات کلامی که کودک را تحت فشار قرار می‌دهد و حملات شخصی به یک کودک که در تحول روان‌شناختی و هیجانی کودک اختلال ایجاد می‌کند).

بیش از بیست ابزار گوناگون در مطالعات مربوط به فرزندپروری عمومی و نتایج رفتاری کودکان به‌کار رفته است. از این‌رو، مقایسه یافته‌های میان مطالعات گوناگون دشوار است. افزون بر این، تفاوت در مفهوم‌سازی ساختارهای فرزندپروری نیز ممکن است یافته‌های متناقضی را توضیح دهد. برخی از رایج‌ترین ابزار عبارت‌اند از: «پرسشنامه والدین به‌عنوان بافت اجتماعی» (اسکینر و همکاران، ۲۰۰۵)، «پرسشنامه اقتدار والدینی» (بوری، ۱۹۹۱)، «مقیاس ادراک از والدین» (گرونلیک و همکاران، ۱۹۹۱)، «مقیاس رفتار والدی گنت» (پاترسون و همکاران، ۱۹۹۲)، «گزارش شیوه‌های پرورش کودک» (بلاک، ۱۹۶۵)، «مقیاس کنترل روان‌شناختی» (باربر، ۱۹۹۶)، «سیاهه ابعاد فرزندپروری» (پاور، ۲۰۰۲)، «مقیاس ضابطه‌مندی والدی» (باربر، ۲۰۰۲)، «سیاهه ارتباط والد - فرزند» (جرارد، ۱۹۹۴).

علیرغم وجود ابزارهای متعدد مفید فرزندپروری جامع، اختلاف‌نظری قابل توجه در مورد چگونگی بهترین ابزار ارزیابی فرزندپروری وجود دارد. بیشتر این ابزارها فقط جنبه‌های محدودی از فرزندپروری را مورد ارزیابی قرار داده‌اند و فاقد پرسشنامه‌های مشخص درباره مقیاس‌های با کیفیت بالا هستند. از این‌رو شناسایی ساختارهای اصلی فرزندپروری و تبیین ویژگی‌های تعریف‌کننده آنها الزامی است. به این منظور پرسشنامه جامع فرزندپروری را اسلدنز و همکاران برای استفاده فراگیر طراحی کرده‌اند. طراحی یک پرسشنامه واحد فرزندپروری برای ارزیابی ساختارهای اصلی فرزندپروری قویاً سبب کاهش بار مسئولیت پاسخگویی شرکت‌کنندگان می‌شود. از این گذشته با اندازه‌گیری ابعاد اصلی فرزندپروری به‌طور همزمان، امکان بررسی تفاوت‌های فردی در سبک‌های فرزندپروری در مطالعات آتی وجود خواهد داشت. این بررسی شامل ارزیابی افراد در تمامی ابعاد فرزندپروری چندگانه به‌طور همزمان است. از این‌رو، با توجه به اهمیت شناسایی و لحاظ شدن مؤلفه‌های شناختی در این ابزار و تمرکز بر ارزیابی طیفی گسترده از رفتارهای چندگانه والدین و نیز عدم وجود پرسشنامه مشابه فارسی در این زمینه که روزآمد باشد و شیوه‌های اختصاصی‌تر فرزندپروری را بررسی کند، اعتباریابی پرسشنامه جامع فرزندپروری

1. Baumrind

عمومی در جامعه ایرانی والدین کودکان ۱۳-۵ سال انجام شده است.

طراحی پرسشنامه را اسلدنز و همکارانش با یک ابزار ۱۴۵ آیتمی شروع کرده‌اند. پژوهشگران برجسته حوزه فرزندپروری، پس از بررسی پرسشنامه ۳۰ آیتم را به دلیل زائد بودن محتوای آیتم یا ابهام حذف کردند. سپس بر اساس تحلیلهای تحلیل عاملی تأییدی و مدل سؤال - پاسخ، ۵۳ آیتم دیگر حذف شد. در پرسشنامه به‌دست آمده (۶۲ مورد) با جمله‌بندی مجدد بعضی از آیتمها، دوباره مورد بازبینی قرار گرفت و ۲۳ مورد دیگر به‌منظور پوشش بهتر عوامل فرعی شامل نظارت و درگیر بودن (بیش از حد) به پرسشنامه افزوده شد. نتایج، منجر به انتخاب یک زیرساختار فرعی اضافی در ساختار کنترل رفتاری (یعنی «توجه به درونداد کودک») شد. تحلیل عاملی تأییدی از مدل پنج عاملی اسلدنز (با برازش قابل قبولی) پشتیبانی کرد. این فرایند منجر به تدوین یک پرسشنامه ۸۵ آیتمی با پنج ساختار فرزندپروری و زیرساختارهای مرتبط (هر یک شامل پنج آیتم) شد.

نتایج مطالعه اسلدنز و همکاران (۲۰۱۴) نشان داد که اشکال مقتدرانه فرزندپروری عمومی رابطه مثبت با تغذیه سالم، فعالیت بدنی و سطح شاخص توده بدنی کمتر در میان کودکان (هلند، بلژیک، ایالات متحده آمریکا) دارد. اسلدنز و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهش دیگری به بررسی ویژگیهای اندازه‌گیری پرسشنامه جامع فرزندپروری عمومی و ارزیابی رابطه آن با رفتار غذایی کودکان و شاخص توده بدنی در کودکان هلند و بلژیک پرداختند. فقط حمایت بیش از حد با شاخص توده بدنی کودکان در مطالعه جامعه هلند رابطه مثبت داشت و هیچ ارتباطی با شاخص توده بدنی کودکان در مطالعه نمونه بلژیک یافت نشد.

وان رینسوم^۱ و همکاران (۲۰۱۸) در یک پژوهش به بررسی تأثیر مربیگری در مداخله سبک زندگی برای چاقی پرداخته‌اند. در این مطالعه از یک نسخه اختصاری پرسشنامه جامع فرزندپروری عمومی مشتمل بر ۴۵ آیتم برای ارزیابی سبکهای فرزندپروری عمومی استفاده شده است.

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی است. از نظر نوع گردآوری اطلاعات پیمایشی و از نظر روش‌شناسی، از جمله مطالعات آزمون‌سازی محسوب می‌شود که در قالب کلی یک طرح پژوهشی توصیفی انجام گرفته است. جامعه آماری این پژوهش شامل والدین کودکان ۱۳-۵ سال از شهرهای گوناگون بود (سال ۱۳۹۹). حجم نمونه ۴۱۶ نفر از والدین واجد شرایط (یعنی والدین یا مراقبان کودکان ۱۳-۵ سال) بودند که با توجه به شیوع (پاندمی) کووید-۱۹، به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. نظرسنجی به روش آنلاین انجام شد. انتخاب این تعداد از نمونه بنابه توصیه استاد راهنما و استاد مشاور بر اساس پژوهشهای اعتباریابی قبلی بوده است زیرا مقبولیت پژوهشهای هنجاریابی مقیاسها مبتنی بر انتخاب تعداد مناسب نمونه با حجم ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر است (علی‌اکبری دهکردی

1. Van Rinsum

و نجاریان، ۱۳۸۲؛ به نقل از علی‌اکبری دهکردی، ۱۳۹۳). این پرسشنامه را نخست پژوهشگر و سپس یک متخصص علوم تربیتی ترجمه کرده است. پس از مقایسه هر دو نسخه، آیتمهایی را که مغایرت داشتند مجدداً یکی از اساتید روانشناسی مسلط به زبان انگلیسی، ترجمه کرده است. در گام بعدی نسخه انطباق‌یافته را یک فرد مسلط به گفتار و نوشتار زبان انگلیسی ترجمه کرد. پس از بازبینی در خصوص انطباق این دو نسخه، پژوهشگر پرسشنامه نهایی را به صورت فرم الکترونیکی طراحی کرد، سپس برای گروه نمونه مقدماتی که شامل ۵۲ نفر از والدین کودکان ۱۳-۵ سال بودند، ارسال شد. پرسشنامه‌های تکمیل‌شده بررسی و ابهامات پیش‌آمده برای والدین رفع شد. در مرحله بعد، به منظور بررسی روایی محتوایی، نسخه نهایی پرسشنامه برای ۱۳ نفر از متخصصان علوم تربیتی، روانشناسی و جامعه‌شناسی از طریق ایمیل ارسال شد. با توجه به نتایج به‌دست آمده و محاسبات CVR، تمامی آیتمها پذیرفته شد. همچنین با توجه به مقدار CVI به‌دست آمده، آیتمهای ۴، ۱۲، ۲۱، ۲۴، ۴۷، ۴۸ و ۵۴ مورد بازبینی قرار گرفتند. پس از حصول اطمینان از روایی صوری و محتوایی، پرسشنامه نهایی در گروه نمونه شامل ۴۱۶ نفر از والدین واجد شرایط به صورت پیمایش مبتنی بر وب اجرا شد. از روشهای تحلیل عاملی و تکنیکهای مدل‌سازی پرسش - پاسخ برای ارزیابی ساختارهای اصلی فرزندپروری و کاهش ۸۵ آیتم استفاده شد. به منظور بررسی روایی سازه عاملهای پرسشنامه از روش تحلیل عاملی تأییدی در نرم‌افزار R، پکیج MRIT و NPLUS و SPSS استفاده شد. پایایی پرسشنامه با به کارگیری روش آلفای کرونباخ و ضریب بازآزمایی بررسی شد.

ابزار سنجش

۱. **مقیاس جامع فرزندپروری عمومی**^۱: این ابزار را اسلدنز و همکاران در سال ۲۰۱۴ روی سه نمونه از هلند، بلژیک و ایالات متحده آمریکا طراحی و اجرا کردند. پنج ساختار فرزندپروری به‌عنوان اساس طراحی پرسشنامه جامع فرزندپروری عمومی مورد استفاده قرار گرفت. این پرسشنامه ۸۵ سؤال دارد و از پنج عامل تشکیل شده است که هر عامل یک نوع رفتار فرزندپروری را (در قالب پنج آیتم) بررسی می‌کند. پاسخ به سؤالات به روش لیکرت ۵ درجه‌ای (کاملاً موافق، کاملاً مخالف) است.

۲. **مقیاس سبک فرزندپروری بامریند**: پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند^۲ به منظور بررسی روایی همگرا در مطالعه حاضر استفاده شده است. این پرسشنامه را بامریند (۱۹۷۳) برای سنجش سه شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه طراحی کرده است. پژوهش او بیشتر بر دو بعد سبک فرزندپروری (اقتدار و عاطفه) متمرکز است. پرسشنامه شامل ۳۰ گویه

1. Comprehensive General Parenting Questionnaire (CGPQ)
2. Baumrind's Parenting Styles Questionnaire (PSQ)

سوم شخص است که ۱۰ عبارت به شیوه مستبدانه، ۱۰ گویه به روش مقتدرانه و ۱۰ عبارت دیگر به شیوه سهل‌گیرانه اختصاص دارد و والدین براساس طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت آن را تکمیل می‌کنند. با جمع نمرات سؤالیهای مربوط به هر شیوه و تقسیم آن بر تعداد سؤالات نمره مجزا به دست می‌آید. به دلیل کاربردهای متعدد این پرسشنامه در اغلب پژوهشهای علوم تربیتی، ارزیابی کیفیت و دقت اندازه‌گیری این ابزار ضروری است.

یافته‌ها

در گام اول پرسشنامه در اختیار ۱۳ متخصص در حوزه علوم تربیتی، روانشناسی و جامعه‌شناسی قرار گرفت و شاخصهای روایی صوری و محتوایی هر یک از آیتمها استخراج شدند. بر طبق نظر لین^۱ (۱۹۸۶) CVI آیتم حداقل ۰/۷۸ و همچنین CVI کل بالای ۰/۸۰ قابل قبول است. با توجه به نتایج به دست آمده و محاسبات CVR تمامی آیتمها پذیرفته شد. همچنین با توجه به مقدار CVI به دست آمده، آیتمهای ۴، ۱۲، ۲۱، ۲۴، ۴۷، ۴۸ و ۵۴ مجدداً مورد بررسی و بازبینی قرار گرفتند. در پژوهش حاضر علاوه بر سؤالات فرزندپروری، اطلاعات جمعیت‌شناختی نیز گردآوری شد. ویژگیهای نمونه پژوهش در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. ویژگیهای نمونه

توصیف	تعداد	درصد	
جنسیت کودک	پسر	۱۸۲	۴۳/۸
	دختر	۲۳۴	۵۶/۲
نسبت با کودک	پدر	۱۲۳	۲۹/۶
	مادر	۲۸۶	۶۸/۸
	مراقب کودک (مذکر)	۱	۰/۲
	مراقب کودک (مؤنث)	۶	۱/۴
وضعیت زندگی	زندگی مشترک با کودک و همسر	۳۹۷	۹۵/۴
	زندگی با کودک بدون همسر	۱۸	۴/۳
	سایر	۱	۰/۲

1. Lynn

جدول ۱. (ادامه)

توصیف	تعداد	درصد	
سطح تحصیلات	پایین (سیکل و کمتر)	۵	۱/۲
	متوسط (دیپلم)	۴۸	۱۱/۵
	بالا (تحصیلات دانشگاهی)	۳۶۳	۸۷/۳
وضعیت اشتغال	بیکار، بدون دستمزد شغلی	۶	۱/۴
	شاغل، دارای دستمزد شغلی	۲۷۵	۶۶/۱
	خانه‌دار	۱۳۵	۳۲/۵

در گام بعد و به منظور اعتباریابی، ابتدا نرمال بودن توزیع آیتمها با آزمون کولموگروف اسمیرنوف بررسی و تأیید شد ($P > 0/05$). سپس با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی ساختار عاملی پرسشنامه بررسی شد و سؤالات نامناسب شناسایی شدند. در نهایت با آلفای کرونباخ پایایی آزمون بررسی شد. تحلیل داده‌ها در این بخش با نرم‌افزار R انجام گرفته است.

جدول ۲. شاخصهای برازش مدل تحلیل عاملی تأییدی

شاخص برازش	نقطه برش	مقدار مشاهده شده
χ^2	-	۵۲۹۴/۱۸
Df	-	۳۴۶۳
P Value	$P > 0/05$	۰/۰۰۱
CFI	$> 0/9$	۰/۸۸
TLI	$> 0/9$	۰/۸۷
SRMR	$< 0/1$	۰/۱۲۲
RMSEA	$< 0/1$	۰/۰۳۱

مقدار کای اسکوئر برای مدل تحلیل عاملی تأییدی برابر ۵۲۹۴/۱۸ با درجه آزادی ۳۴۶۳ است که سطح معناداری آن کمتر از ۰/۰۵ است ($P = 0/001$). شاخص RMSEA برابر با ۰/۰۳۱ است که در سطح مطلوب قرار دارد. مقادیر شاخصهای TLI و CFI نیز در سطح نامطلوب و کمتر از نقطه برش ۰/۹۰

هستند. شاخص SRMR بیشتر از $0/10$ است که در سطح مطلوب نیست. با توجه به این که تنها یکی از شاخصهای برازش در سطح مطلوب است، ساختار عاملی نیاز به اصلاح دارد. نتایج این پژوهش نشان داد سؤالهای شماره 10 ، 28 ، 58 ، 59 و 77 دارای بار عاملی کمتر از $0/40$ هستند. بنابراین این سؤالات از پرسشنامه حذف شدند و مدل اصلاح‌شده بدون این سؤالات اجرا شد.

جدول ۳. بارهای عاملی ساختار مرتبه دوم در حالت استاندارد شده

سطح معناداری	T	خطای برآورد	ضریب استاندارد	عامل مرتبه اول	عامل مرتبه دوم
0/001	86/011	0/011	0/928	حمایت از استقلال	پرورش
0/001	12/252	0/054	0/665	پاداش اجتماعی	
0/001	55/109	0/017	0/923	مسئولیت‌پذیری	
0/001	58/572	0/016	0/92	درگیر شدن	
0/001	37/332	0/018	0/679	انضباط ناپایدار	ساختار
0/001	87/993	0/011	0/954	ثبات	
0/001	69/637	0/013	0/923	سازماندهی	
0/001	119/077	0/008	0/968	ایجاد داریست	
0/001	110/219	0/009	0/943	نظارت	کنترل رفتاری
0/001	55/843	0/016	0/915	ضرورت‌های بلوغ	
0/001	93/098	0/01	0/966	انضباط بدون دخالت	
0/235	1/187	0/108	0/129	توجه به درونداد کودک	

جدول ۳. (ادامه)

سطح معناداری	T	خطای برآورد	ضریب استاندارد	عامل مرتبه اول	عامل مرتبه دوم
۰/۰۰۱	۳۲/۸۹	۰/۰۳	۰/۹۷۳	کنترل روان‌شناختی	کنترل با اجبار
۰/۰۰۱	۱۲/۶۱	۰/۰۴۵	۰/۵۶۸	تنبیه بدنی	
۰/۰۰۱	۱۸/۵۲۱	۰/۰۴۲	۰/۷۶۹	کنترل مستبدانه	
۰/۰۰۱	۴۴/۱۴۲	۰/۰۲۲	۰/۹۵۹	نظارت بیش از حد	مراقبت بیش از حد
۰/۰۰۱	۱۷/۳۹۷	۰/۰۴۵	۰/۷۸۲	درگیر شدن بیش از حد	

بارهای عاملی مرتبه دوم در جدول ۴ آورده شده است. دامنه بارهای عاملی ۰/۱۳-۰/۹۷ است. بار عاملی توجه به درونداد کودک ۰/۱۳ است که سطح معناداری آن بیشتر از ۰/۰۵ است. سؤالهای ۵۸ و ۵۹ که بار عاملی معنادار نداشتند مربوط به این عامل بودند. ساختار عاملی مرتبه دوم پس از حذف این سؤالات مجدداً بررسی شد تا در صورت معنادار نبودن بارهای عاملی مرتبه دوم در ساختار آن تجدید نظر شود.

جدول ۴. شاخصهای برازش مدل تحلیل عاملی تأییدی اصلاح شده

مقدار مشاهده شده	نقطه برش	شاخص برازش
۴۱۴۴/۹۲	-	χ^2
۲۹۷۹	-	Df
۰/۰۰۱	$P > ۰/۰۵$	P Value
۰/۹۳	$> ۰/۹$	CFI
۰/۹۲	$> ۰/۹$	TLI
۰/۰۹۲	$< ۰/۱$	SRMR
۰/۰۳۱	$< ۰/۱$	RMSEA

در اصلاح مدل سؤالاتی که بار کمتر از $0/50$ داشتند حذف شدند. افزون بر این، همبستگی میان سؤالهای ۱۳ و ۱۴ به مدل اضافه شد. مقدار کای اسکوئر برای مدل تحلیل عاملی تأییدی برابر $4144/92$ با درجه آزادی ۲۹۷۹ است که سطح معناداری آن کمتر از $0/05$ است ($P=0/001$). شاخص RMSEA برابر با $0/031$ است که در سطح مطلوب قرار دارد. مقادیر شاخصهای TLI و CFI نیز در سطح مطلوب و بیشتر از نقطه برش $0/90$ هستند. شاخص SRMR کمتر از $0/10$ است که در سطح مطلوب است.

جدول ۵. بارهای عاملی مرتبه اول مدل اصلاح‌شده در حالت استاندارد

شماره سؤال	ضریب استاندارد	خطای برآورد	T	سطح معناداری
۱	۰/۸۳۵	۰/۰۱۱	۲۷/۰۲۹	۰/۰۰۱
۲	۰/۷۱۶	۰/۰۳۹	۱۸/۲۲۶	۰/۰۰۱
۳	۰/۸۵۲	۰/۰۲۲	۳۸/۷۱۱	۰/۰۰۱
۴	۰/۸۳	۰/۰۲۴	۳۴/۱۲۶	۰/۰۰۱
۵	۰/۸۱۹	۰/۰۲۶	۳۱/۶۳۵	۰/۰۰۱
۶	۰/۷۴۲	۰/۰۳۵	۲۰/۹۹۹	۰/۰۰۱
۷	۰/۸۲۸	۰/۰۲۷	۳۰/۱۶۹	۰/۰۰۱
۸	۰/۸۱۲	۰/۰۲۸	۲۸/۴۸۹	۰/۰۰۱
۹	۰/۴۲	۰/۰۵۸	۷/۲۴۴	۰/۰۰۱
۱۱	۰/۷۱۵	۰/۰۳۹	۱۸/۱۹۱	۰/۰۰۱
۱۲	۰/۸۰۵	۰/۰۲۹	۲۸/۱۵۱	۰/۰۰۱
۱۳	۰/۷۱۲	۰/۰۴۵	۱۵/۶۸۶	۰/۰۰۱
۱۴	۰/۷۷۷	۰/۰۳۷	۲۱/۱۹۷	۰/۰۰۱
۱۵	۰/۸	۰/۰۲۹	۲۷/۲۴۹	۰/۰۰۱
۱۶	۰/۸۵۹	۰/۰۲	۴۲/۶۷۸	۰/۰۰۱
۱۷	۰/۸۳۶	۰/۰۲۲	۳۷/۲۷۶	۰/۰۰۱
۱۸	۰/۰۸۸۸	۰/۰۱۶	۵۵/۱۱۶	۰/۰۰۱

جدول ۵. (ادامه)

شماره سؤال	ضریب استاندارد	خطای برآورد	T	سطح معناداری
۱۹	۰/۷۷۹	۰/۰۳	۲۶/۲۷۶	۰/۰۰۱
۲۰	۰/۸۲۹	۰/۰۲۳	۳۵/۶۶۲	۰/۰۰۱
۲۱	۰/۸۸	۰/۰۰۱۴	۶۴/۰۶۷	۰/۰۰۱
۲۲	۰/۸۰۲	۰/۰۳۱	۲۶/۲۰۸	۰/۰۰۱
۲۳	۰/۶۸۲	۰/۰۴۶	۱۴/۹۵۶	۰/۰۰۱
۲۴	۰/۶۲۹	۰/۰۵۱	۱۲/۳۲۴	۰/۰۰۱
۲۵	۰/۶۴۳	۰/۰۵	۱۲/۷۷۸	۰/۰۰۱
۲۶	۰/۷۶۶	۰/۰۳۲	۲۳/۶۲۸	۰/۰۰۱
۲۷	۰/۷۵	۰/۰۳۴	۲۱/۸۱۵	۰/۰۰۱
۲۹	۰/۸۰۹	۰/۰۲۷	۳۰/۴	۰/۰۰۱
۳۰	۰/۸۷۳	۰/۰۲	۴۴/۶۴۲	۰/۰۰۱
۳۱	۰/۷۸۹	۰/۰۲۹	۲۶/۸۳۱	۰/۰۰۱
۳۲	۰/۹۱۲	۰/۰۱۳	۶۹/۵۹۴	۰/۰۰۱
۳۳	۰/۸۹۴	۰/۰۱۵	۵۹/۳۴۸	۰/۰۰۱
۳۴	۰/۷۹	۰/۰۲۸	۲۸/۲۰۲	۰/۰۰۱
۳۵	۰/۷۹۱	۰/۰۲۹	۲۷/۵۷۷	۰/۰۰۱
۳۶	۰/۸۶۱	۰/۰۲	۴۳/۹۱	۰/۰۰۱
۳۷	۰/۸۵۳	۰/۰۲	۴۳/۰۶۶	۰/۰۰۱
۳۸	۰/۸۴	۰/۰۲۲	۳۸/۴۷۶	۰/۰۰۱
۳۹	۰/۷۸۳	۰/۰۲۹	۲۶/۸۱۶	۰/۰۰۱
۴۰	۰/۸۳	۰/۰۲۳	۳۶/۲۹۴	۰/۰۰۱
۴۱	۰/۸۹۶	۰/۰۰۸	۱۰۷	۰/۰۰۱

جدول ۵. (ادامه)

شماره سؤال	ضریب استاندارد	خطای برآورد	T	سطح معناداری
۴۲	۰/۸۷۱	۰/۰۱۷	۵۱/۶۸۹	۰/۰۰۱
۴۳	۰/۷۸۵	۰/۰۲۸	۲۷/۹۹۳	۰/۰۰۱
۴۴	۰/۸۵۶	۰/۰۱۹	۴۵/۱۴	۰/۰۰۱
۴۵	۰/۸۲۹	۰/۰۲۲	۳۷/۷۱۱	۰/۰۰۱
۴۶	۰/۸۳۳	۰/۰۲۴	۳۵/۰۹۱	۰/۰۰۱
۴۷	۰/۸۳۳	۰/۰۲۴	۳۴/۱۵۷	۰/۰۰۱
۴۸	۰/۶۵۳	۰/۰۴۴	۱۴/۷۸	۰/۰۰۱
۴۹	۰/۷۲۷	۰/۰۳۷	۱۹/۴۸۸	۰/۰۰۱
۵۰	۰/۷۹۹	۰/۰۲۹	۲۷/۸۹۷	۰/۰۰۱
۵۱	۰/۸۵۳	۰/۰۲۱	۴۰/۱۶	۰/۰۰۱
۵۲	۰/۶۲۹	۰/۰۴۸	۱۲/۹۷	۰/۰۰۱
۵۳	۰/۸۳	۰/۰۲۴	۳۵/۳۰۳	۰/۰۰۱
۵۴	۰/۸۰۷	۰/۰۲۶	۳۰/۶۹۲	۰/۰۰۱
۵۵	۰/۵۹۷	۰/۰۵۳	۱۱/۳۳۳	۰/۰۰۱
۵۶	۰/۹۳۴	۰/۰۹۲	۱۰/۱۳۷	۰/۰۰۱
۵۷	۰/۸۷۳	۰/۰۸۸	۹/۸۹۹	۰/۰۰۱
۶۰	۰/۵۱	۰/۰۱۹	۹/۲۳	۰/۰۰۱
۶۱	۰/۷۱	۰/۰۱۸	۳۸/۹۰۸	۰/۰۰۱
۶۲	۰/۷۸۴	۰/۰۲۵	۳۱/۶۲۴	۰/۰۰۱
۶۳	۰/۴۶۱	۰/۰۴۶	۱۰/۰۷۷	۰/۰۰۱
۶۴	۰/۷۳۸	۰/۰۲۸	۲۵/۹۳۷	۰/۰۰۱
۶۵	۰/۸۰۴	۰/۰۲۴	۳۳/۹۳	۰/۰۰۱

جدول ۵. (ادامه)

شماره سؤال	ضریب استاندارد	خطای برآورد	T	سطح معناداری
۶۶	۰/۹۲۷	۰/۰۰۸	۱۱۲/۶۹۲	۰/۰۰۱
۶۷	۰/۹۲	۰/۰۰۹	۱۰۳/۴۶	۰/۰۰۱
۶۸	۰/۹۲۶	۰/۰۰۸	۱۱۱/۴۰۵	۰/۰۰۱
۶۹	۰/۹۱	۰/۰۱	۹۲/۹۶۱	۰/۰۰۱
۷۰	۰/۹۱۷	۰/۰۰۹	۹۹/۸۷۸	۰/۰۰۱
۷۱	۰/۵۲۵	۰/۰۴۳	۱۲/۱۳۴	۰/۰۰۱
۷۲	۰/۷۳۳	۰/۰۳۲	۲۲/۹۲۱	۰/۰۰۱
۷۳	۰/۷۷۲	۰/۰۳	۲۵/۷۹۲	۰/۰۰۱
۷۴	۰/۴۷۹	۰/۰۴۶	۱۰/۴۲۳	۰/۰۰۱
۷۵	۰/۵۳۵	۰/۰۴۳	۱۲/۵۲۸	۰/۰۰۱
۷۶	۰/۸۳۳	۰/۰۱۴	۵۹/۱۹۴	۰/۰۰۱
۷۸	۰/۷۰۵	۰/۰۴۲	۱۶/۸۴۷	۰/۰۰۱
۷۹	۰/۷۷۸	۰/۰۳۳	۲۳/۶۰۳	۰/۰۰۱
۸۰	۰/۵۸۶	۰/۰۵۳	۱۱/۰۴۵	۰/۰۰۱
۸۱	۰/۷۳۷	۰/۰۲۵	۲۱/۰۷۷	۰/۰۰۱
۸۲	۰/۸۴۶	۰/۰۲۵	۳۴/۱۴۱	۰/۰۰۱
۸۳	۰/۷۳	۰/۰۳۵	۲۰/۸۹	۰/۰۰۱
۸۴	۰/۵۹	۰/۰۴۷	۱۲/۴۴۹	۰/۰۰۱
۸۵	۰/۶۴۹	۰/۰۴۳	۱۵/۰۴۲	۰/۰۰۱

جدول شماره ۵ بارهای عاملی استاندارد شده را نشان می‌دهد. سطح معناداری بارهای عاملی کمتر از ۰/۰۵ است. دامنه بارهای عاملی ۰/۵۲ - ۰/۹۳ است. معناداری آماری و مقادیر بارهای عاملی استاندارد شده روایی عاملهای مرتبه اول را حمایت می‌کند.

جدول ۶. بارهای عاملی ساختار مرتبه دوم در حالت استاندارد شده

سطح معناداری	T	خطای برآورد	ضریب استاندارد	عامل مرتبه اول	عامل مرتبه دوم
۰/۰۰۱	۸۷/۳۶۴	۰/۰۱۱	۰/۹۳	حمایت از استقلال	پرورش
۰/۰۰۱	۱۲/۸۶۹	۰/۰۵۳	۰/۶۷۹	پاداش اجتماعی	
۰/۰۰۱	۴۶/۴۵۸	۰/۰۲	۰/۹۲۱	مسئولیت‌پذیری	
۰/۰۰۱	۵۱/۷۹	۰/۰۱۸	۰/۹۰۶	درگیر شدن	
۰/۰۰۱	۳۷/۳۴۱	۰/۰۱۸	۰/۶۷۹	انضباط ناپایدار	ساختار
۰/۰۰۱	۸۵/۹۵۴	۰/۰۱۱	۰/۹۵۳	ثبات	
۰/۰۰۱	۶۷/۰۴۶	۰/۰۱۴	۰/۹۲	سازماندهی	
۰/۰۰۱	۱۱۶/۶۵۲	۰/۰۰۸	۰/۹۶۸	ایجاد داریست	
۰/۰۰۱	۱۰۹/۹۰۲	۰/۰۰۹	۰/۹۴۳	نظارت	کنترل رفتاری
۰/۰۰۱	۵۶/۸۴۸	۰/۰۱۶	۰/۹۱۸	ضرورت‌های بلوغ	
۰/۰۰۱	۹۱/۷۱۸	۰/۰۱۱	۰/۹۶۶	انضباط بدون دخالت	
۰/۰۰۱	۳/۲۶۷	۰/۰۹۱	۰/۲۹۸	توجه به درونداد کودک	
۰/۰۰۱	۳۳/۴۸۷	۰/۰۲۹	۰/۹۶۷	کنترل روان‌شناختی	کنترل با اجبار
۰/۰۰۱	۱۲/۸۰۲	۰/۰۴۵	۰/۵۷۱	تنبیه بدنی	
۰/۰۰۱	۱۸/۹۲۷	۰/۰۴۱	۰/۷۷۵	کنترل مستبدانه	
۰/۰۰۱	۴۵/۶۶۳	۰/۰۲۱	۰/۹۵۹	نظارت بیش از حد	مراقبت بیش از حد
۰/۰۰۱	۱۷/۹۸	۰/۰۴۴	۰/۷۸۴	درگیر شدن بیش از حد	

بارهای عاملی مرتبه دوم در جدول شماره ۶ آورده شده است. دامنه بارهای عاملی $۰/۳۰ - ۰/۹۷$ است. بار عاملی توجه به درونداد کودک پس از حذف سؤالات به $۰/۳۰$ رسیده است. همه بارهای عاملی در سطح $۰/۰۱$ معنادارند. این نتایج روایی ساختار عاملی مرتبه دوم را حمایت می‌کند. پس از حذف سؤالاتی که از طریق تحلیل عاملی تأییدی و نظریه سؤال - پاسخ نامناسب تشخیص داده شدند، پایایی آزمون با روش آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی بررسی شد.

جدول ۷. شاخصهای توصیفی و آلفای کرونباخ عاملها

عامل	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی
حمایت از استقلال	۴/۵۷	۰/۴۷	- ۲/۶۲	۱۲/۰۶	۰/۷۳	۰/۷۵
پاداش اجتماعی	۴/۸۲	۰/۳۷	- ۳/۶۹	۲۰/۸۴	۰/۷۱	۰/۷۳
مسئولیت‌پذیری	۴/۳	۰/۵۷	- ۱/۱۱۹	۲/۳۷	۰/۷۶	۰/۷۷
درگیر شدن	۴/۰۶	۰/۷۱	- ۰/۹۱	۰/۶۲	۰/۸۴	۰/۸۴
انضباط ناپایدار	۳/۲۵	۰/۸۸	- ۰/۳۸	- ۰/۳۹	۰/۷۲	۰/۷۵
ثبات	۴/۴۱	۰/۶۱	- ۱/۶	۳/۸۵	۰/۷۳	۰/۷۴
سازماندهی	۴/۲۳	۰/۶۹	- ۱/۱۹	۲/۰۲	۰/۸۲	۰/۸۱
ایجاد داربست	۴/۵۶	۰/۵	- ۱/۸۸	۶/۵۶	۰/۷۹	۰/۸۰
نظارت	۴/۵	۰/۵۴	- ۲/۳۵	۹/۸۹	۰/۸	۰/۸۳
ضرورت‌های بلوغ	۴/۱۲	۰/۶	- ۱/۰۹	۲/۹۹	۰/۷۵	۰/۷۸
انضباط بدون دخالت	۴/۲۳	۰/۶	- ۱/۳۷	۳/۶۳	۰/۷	۰/۷۴
توجه به درونداد کودک	۲/۹۶	۱/۱۴	- ۰/۱	- ۰/۹۲	۰/۸۹	۰/۷۳
کنترل روان‌شناختی	۲/۷۴	۰/۹۳	۰/۳	- ۰/۶۵	۰/۷۹	۰/۸۱
تنبیه بدنی	۱/۴۸	۰/۸۸	۲/۰۱	۳/۴۸	۰/۹۶	۰/۹۳
کنترل مستبدانه	۲/۷۶	۰/۸۶	۰/۰۶	- ۰/۳۷	۰/۷۲	۰/۷۴
نظارت بیش از حد	۳/۷۷	۰/۷۷	- ۰/۰۷۲	۰/۴۴	۰/۶۸	۰/۷۱
درگیر شدن بیش از حد	۲/۹۴	۰/۸۵	۰/۱۲	- ۰/۴۳	۰/۷۷	۰/۷۸
پرورش	۴/۴۲	۰/۴۱	- ۱/۰۶	۱/۱۵	۰/۸۷	۰/۸۶

جدول ۷. (ادامه)

عامل	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی
ساختار	۴/۱	۰/۴	- ۱/۷۸	۹/۸۹	۰/۷۵	۰/۷۷
کنترل رفتاری	۴/۱۳	۰/۴۸	- ۱/۷۴	۸/۳	۰/۸۵	۰/۸۶
کنترل با اجبار	۲/۳۳	۰/۷۱	۰/۷۷	۱/۱۴	۰/۸۸	۰/۸۸
مراقبت بیش از حد	۳/۳۱	۰/۶۹	- ۰/۲۳	۰/۱۱	۰/۷۹	۰/۸۰

با توجه به نتایج جدول شماره ۷، پاداش اجتماعی با $۴/۸۲$ بیشترین و تنبیه بدنی با $۲/۴۸$ کمترین میانگین را دارد. ضریب آلفای کرونباخ نظارت بیش از حد $۰/۶۸$ است. سایر ضرایب آلفای کرونباخ بیشتر از $۰/۷$ هستند. بیشترین مقدار کجی $-۳/۶۹$ و بیشترین مقدار کشیدگی $۲۰/۸۴$ است که هر دو متعلق به پاداش اجتماعی هستند. در نهایت ماتریس همبستگی میان عاملهای نهایی پرسشنامه با سبکهای فرزندپروری بامریند در گروه نمونه محاسبه شد.

جدول ۸. همبستگی اسپیرمن عاملهای پرسشنامه با سبکهای فرزندپروری بامریند

عامل	استبدادی	منطقی	سهل گیرانه
۱ پرورش	-۰/۰۹	۰/۲۸**	-۰/۰۱
۲ ساختار	۰/۰۵	۰/۲۴**	۰/۰۱
۳ کنترل رفتاری	۰/۲۰**	۰/۱۶*	-۰/۱۲*
۴ کنترل با اجبار	۰/۶۲***	-۰/۲۵**	۰/۰۳
۵ مراقبت بیش از حد	۰/۳۴***	-۰/۰۱	۰/۰۴

$P < ۰/۰۵^*$ $P < ۰/۰۱^{**}$ $P < ۰/۰۰۱^{***}$

همبستگی میان عاملهای پرسشنامه نشان می‌دهد که سبک فرزندپروری استبدادی با کنترل رفتاری $r=۰/۲۰$ ، کنترل با اجبار $r=۰/۶۲$ و مراقبت بیش از حد $r=۰/۳۴$ رابطه معنادار دارد. سبک فرزندپروری منطقی با پرورش $r=۰/۲۸$ ، ساختار $r=۰/۲۴$ و کنترل رفتاری $r=۰/۱۶$ رابطه مثبت و با کنترل با اجبار $r=-۰/۱۲$ رابطه منفی دارد. سبک سهل‌گیرانه با کنترل رفتاری $r=-۰/۱۲$ رابطه منفی دارد.

بحث و نتیجه گیری

اساس طراحی پرسشنامه جامع فرزندپروری عمومی یک الگوی متشکل از پنج ساختار فرزندپروری است. هدف از انجام دادن این پژوهش اعتباریابی آزمونی بود که بتواند ساختارهای جامع فرزندپروری را در والدین کودکان ۱۳-۵ سال در جامعه ایرانی به طور دقیق ارزیابی کند. تحلیل عاملی تأییدی در نسخه فارسی این مقیاس از مدل پنج عاملی با برازش مطلوب پشتیبانی کرده است. نتایج مدل پرسش - پاسخ با نتایج تحلیل عاملی تأییدی همسو بود.

در تحلیل عاملی تأییدی پس از حذف پنج سؤال (۱۰، ۲۸، ۵۸، ۵۹، ۷۷) که قدرت تمیز آنها در سطح نامطلوب قرار داشت، نسخه فارسی پرسشنامه جامع فرزندپروری عمومی از برازش خوبی برخوردار شد. روایی ملاکی این مقیاس با پرسشنامه بامریند در حد مطلوب بود. نتایج ضرایب همبستگی میان عاملهای پرسشنامه، نشان داد به جز همبستگی ساختار با کنترل با اجبار، سایر ضرایب معنا دارند. همبستگی قوی میان پرورش و ساختار بیانگر آن است که والدینی که ساختار را برای فرزندان خود فراهم می کنند احتمالاً پرورش والدی را نیز فراهم می کنند. رابطه ضعیف و منفی میان «پرورش» و «کنترل با اجبار» نشان می دهد که والدینی که حمایتگر و پاسخگوی نیازهای فرزند خود هستند تمایل به اعمال شیوه های کنترل سخت گیرانه و توأم با اجبار ندارند. سایر ضرایب همبستگی میان عاملها مثبت هستند. همبستگی مثبت به دست آمده میان کنترل با اجبار و کنترل رفتاری بسیار ضعیف است (کمتر از ۰/۳) که می تواند به دلیل حجم بالای نمونه باشد. رابطه همبستگی میان مراقبت بیش از حد و کنترل با اجبار و نیز با پرورش گرچه مثبت، اما ضعیف است. رابطه همبستگی به دست آمده میان مراقبت بیش از حد و کنترل رفتاری به طور قابل توجهی معنادار و مثبت است که نشان می دهد گرچه والدین سطوحی مناسب از کنترل را فراهم می کنند که چندان سخت گیرانه نیست تا کودک فضای کافی برای رشد فردی و توسعه استقلال و عدم وابستگی داشته باشد، اما با نظارت و درگیر شدن بیش از حد، می توانند توانایی تفکر و انتخاب را در کودک نادیده بگیرند و بر رشد و تحول استقلال فردی او تأثیر منفی بگذارند. یافته های به دست آمده می توانند دلالت بر این امر داشته باشند که مفهوم چندبعدی سازه کنترل به ویژه جوانب مثبت آن برای والدین چندان قابل تشخیص و تفکیک نبوده است.

همبستگی میان عاملهای پرسشنامه با سبکهای فرزندپروری بامریند حاکی از آن است که سبک فرزندپروری مستبدانه با کنترل رفتاری، کنترل با اجبار و حمایت افراطی رابطه معنادار دارد. نتایج نشان داد والدینی که سبک فرزندپروری منطقی را اعمال می کنند بیشتر از جوانب مثبت فرزندپروری (پرورش، ساختار و کنترل رفتاری) در شیوه های تربیت فرزند استفاده می کنند و تمایل به اعمال شیوه های کنترلی توأم با اجبار ندارند و والدینی که تابع سبک سهل گیرانه از

نظارت و مدیریت فعالیتهای فرزندشان اجتناب می‌کنند و انتظارات واضح و شفافی در مورد نحوه رفتار کودک خود ندارند. به‌عبارتی از اعمال شیوه‌های کنترل رفتاری اجتناب می‌کنند.

تحلیلهای مدل پرسش - پاسخ در هر یک از پنج ساختار فرزندپروری با استفاده از مدل‌های چندبعدی نشان داد که ۸۰ سؤال دارای مقادیر قابل قبول برای شاخص RMSEA در ارزیابی برازش مدل جامع فرزندپروری است. نتایج به‌دست آمده با تحلیل عاملی همخوانی دارد و پنج عامل از برازش خوبی برخوردار است.

پس از حذف سؤالاتی که از طریق تحلیلهای عاملی تأییدی و تکنیک سؤال - پاسخ نامناسب تشخیص داده شدند، پایایی آزمون در دامنه مطلوب قرار گرفت. برای زیرساختارهای پرورش، ساختار، کنترل رفتاری، کنترل با اجبار و حمایت بیش از حد به‌ترتیب ۰/۸۷، ۰/۷۵، ۰/۸۵، ۰/۸۸ و ۰/۷۹ به‌دست آمده است.

▲ چشم‌انداز آینده ▲

پرسشنامه جامع فرزندپروری با تمرکز بر مؤلفه‌های شناختی، ابعاد و ویژگیهای گوناگونی را در ساختارهای اصلی فرزندپروری به‌طور همزمان می‌سنجد، لذا اعتباریابی اولیه این ابزار می‌تواند کمبودی را که در مورد ابزارهای متناسب با سن و نیاز کودکان در جامعه ایرانی مشاهده می‌شود تا حدود زیادی جبران کند و ابزاری مفید در اختیار متخصصان تعلیم و تربیت، درمانگران، مشاوران، سیاستگذاران و برنامه‌ریزان برای تشخیص، ارزیابی، مداخله و آموزش قرار دهد. ابزار پیشنهادی شامل حوزه‌های گوناگون فرزندپروری است و در طیفی وسیع از مدل‌های نظری مورد تأکید و اهمیت قرار گرفته است. به این ترتیب مجموعه‌ای از مفاهیم بنیادین و روزآمد شده در اختیار پژوهشگران قرار می‌گیرد که موجب تسهیل پژوهش در گستره تأثیر شیوه‌های مختلف فرزندپروری بر نتایج رفتاری کودکان می‌شود. بهره‌برداری از این یافته‌ها از سوی متخصصان حوزه تربیت که نقشی مهم در ارتقای رشد فردی و اجتماعی کودکان و نوجوانان دارند، امکان طراحی مداخلات لازم و مؤثر را در عرصه عمل فراهم می‌کند. آموزش والدین در زمینه شیوه‌های مثبت فرزندپروری (پرورش، ساختار و کنترل رفتاری) و تأثیر آن بر نتایج رفتاری کودکان، از سوی مربیان می‌تواند سهمی بسزا در رشد و تحول کودک، خانواده و جامعه داشته باشد. مقیاس پژوهش حاضر نیز می‌تواند برای متخصصان حوزه سلامت، پژوهشگران و کارگروه بالینی که با کودکان ۵ تا ۱۳ سال کار می‌کنند، مفید واقع شود.

▲ محدودیتهای پژوهش ▲

با توجه به روش نمونه‌گیری در دسترس به دلیل محدودیتهای ناشی از پاندمی کرونا، هر نوع تعمیمی در مورد نتایج این پژوهش باید با احتیاط صورت گیرد. به دلیل عدم دسترسی حضوری

به شرکت کنندگان امکان اجرای مجدد آزمون (بازآزمایی) فراهم نشد. نمونه این مطالعه نسبتاً همگن بود (عمدتاً خانواده‌های کامل با تحصیلات عالی)، که تعمیم نتایج را محدود می‌کند. علاوه بر این تمایل به مطلوبیت اجتماعی به‌ویژه هنگام ارزیابی رفتارهای منفی فرزندپروری ممکن است سبب سوگیری شود. محدودیت پرسشنامه‌های خودگزارشگری موجود این است که آنها اغلب شامل مواردی‌اند که به‌جای رفتار، به نگرش، باورها و احساس خودکارآمدی والدین اشاره می‌کنند (لاوجوی^۱ و همکاران، ۱۹۹۹). تعداد پژوهشهای اندک در مورد این مقیاس امکان دسترسی به یافته‌های بیشتر در انجام دادن مطالعات جدید را محدود کرده است.

▲ پیشنهاد‌های پژوهشی ▲

- با توجه به یافته‌های این پژوهش در مطالعات آتی استفاده از تحلیل طبقه پنهان یا مدل‌سازی مختلط که به‌منظور ارزیابی تأثیر متقابل و نقش هر پنج ساختار فرزندپروری این مقیاس انجام می‌شود، موجب تمایزی بهتر میان سبک‌های فرزندپروری می‌شود. به این ترتیب، می‌توان از ترکیبهای گوناگون پنج ساختار فرزندپروری برای توصیف خوشه‌های متفاوت فرزندپروری استفاده کرد.
- در مطالعات آتی در مورد روایی این مقیاس می‌توان از روشهای چندگانه (همچون مشاهده تعاملات والد - کودک و تکمیل یک نسخه از پرسشنامه از سوی کودک) برای بررسی رابطه میان پرسشنامه جامع فرزندپروری عمومی و رفتار واقعی والدین بهره‌گیری کرد.
- بررسی تأثیر متغیرهای جمعیت‌شناختی مانند سطح تحصیلات و وضعیت اشتغال بر شیوه‌های فرزندپروری و نیز اجرای این آزمون در نمونه‌های بزرگ‌تر و در سایر گروه‌های هدف (مثلاً والدین کودکان ۱ تا ۴ سال) و مقایسه نتایج به‌دست آمده با یافته‌های این پژوهش در مطالعات آتی توصیه می‌شود. عدم تمایل افراد به شرکت در نظرسنجی و پاسخ‌دهی به پرسشنامه‌های طولانی لزوم طراحی نسخه کوتاه‌شده پرسشنامه را برای پژوهشهای آتی فراهم می‌کند.

1. Lovejoy

- اخوان تفتی، مهناز و امیری، نگار. (۱۳۹۷). اثربخشی درمان رابطه والد کودک (CPRT) بر بهبود شیوه‌های فرزندپروری مادران. *فصلنامه مطالعات روان‌شناختی*، ۱۴ (۳)، ۴۵-۶۰.
- ارجمندنیا، علی‌اکبر؛ صفایی، اسماعیل و ملکی، سمانه. (۱۳۹۶). ارزیابی ویژگی‌های اندازه‌گیری مقیاس شیوه‌های فرزندپروری ارجمندنیا. *فصلنامه روانشناسی خانواده*، ۴ (۱)، ۵۳-۶۴.
- برک، ال. ای. (۲۰۱۰). *روان‌شناسی رشد*، ترجمه یحیی سیدمحمدی (۱۳۹۵). چاپ سی‌ویکم. تهران: انتشارات ارسباران.
- رضانسی، ولی‌اله؛ عبدخدایی، محمدسعید؛ طیبی، زهرا و آقامحمدیان شعراف، حمیدرضا. (۱۳۹۸). ابعاد سلامت و آسیب‌شناسانه فرزندپروری در خانواده‌های ایرانی: یک پژوهش کیفی. *فصلنامه پژوهش در سلامت روانشناختی*، ۱۳ (۱)، ۵۸-۸۰.
- ساداتی فیروزآبادی، سمیه و ملتفت، قوام. (۱۳۹۶). نقش واسطه‌ای نیازهای روان‌شناختی پایه در ارتباط بین سبک‌های والدگری و سلامت روان دانش‌آموزان تیزهوش. *فصلنامه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت ایران*، ۵ (۳)، ۲۰۳-۲۱۲.
- صدر، محمدمهرداد؛ خادم‌الرضا، نوشین؛ اخباری، سحرناز؛ علمائی، مرضیه و هاشمیان، سیدسپهر. (۱۳۹۷). ویژگی‌های اندازه‌گیری نسخه فارسی پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۲۴ (۱)، ۸۰-۹۱.
- علی‌اکبری دهکردی، مهناز. (۱۳۹۳). بررسی خصوصیات اندازه‌گیری مقیاس نقش جنسی کودکان در جمعیت ایرانی. طرح در قالب گزنت، دانشگاه پیام نور.
- مینایی، اصغر و نیک‌زاد، سپیده. (۱۳۹۶). ساختار عاملی و اعتبار نسخه فارسی پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۳ (۱)، ۹۱-۱۰۸.

- Abdul Gafoor, K. & Kurukkan, A. (2014). Construction and validation of Scale of Parenting Style. *Guru Journal of Behavioral and Social Sciences, Online Submission*, 2(4), 315-323.
- Bandura, A. (1977). *Social learning theory*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Baumrind, D. (1971). Current patterns of parental authority. *Developmental Psychology*, 4(1, Pt. 2), 1-103.
- . (1973). The development of instrumental competence through socialization. In A. Pick (Ed.), *Minnesota symposia on child psychology* (pp. 3-46). Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Darling, N., & Steinberg, L. (1993). Parenting style as context: An integrative model. *Psychological Bulletin*, 113(3), 487-496.
- Hoeve, M., Dubas, J. S., Eichelsheim, V. I., van der Laan, P. H., Smeenk, W., & Gerris, J. R. (2009). The relationship between parenting and delinquency: A meta-analysis. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 37(6), 749-775.
- Holden, G. W., & Edwards, L. A. (1989). Parental attitudes toward child rearing: Instruments, issues, and implications. *Psychological Bulletin*, 106(1), 29-58.
- Holmbeck, G. N., Johnson, S. Z., Wills, K. E., McKernon, W., Rose, B., Erkin, S., & Kemper, T. (2002). Observed and perceived parental overprotection in relation to psychosocial adjustment in preadolescents with a physical disability: The mediational role of behavioral autonomy. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 70(1), 96-110.
- Hurley, K. D., Huscroft-D'Angelo, J., Trout, A., Griffith, A., & Epstein, M. (2014). Assessing parenting skills and attitudes: A review of the psychometrics of parenting measures. *Journal of Child and Family Studies*, 23(5), 812-823.

- Kiel, E. J., & Buss, K. A. (2011). Prospective relations among fearful temperament, protective parenting, and social withdrawal: the role of maternal accuracy in a moderated mediation framework. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 39(7), 953-966.
- Kuppens, S., & Ceulemans, E. (2019). Parenting styles: A closer look at a well-known concept. *Journal of Child and Family Studies*, 28(1), 168-181.
- Lovejoy, M. C., Weis, R., O'Hare, E., & Rubin, E. C. (1999). Development and initial validation of the Parent Behavior Inventory. *Psychological Assessment*, 11(4), 534-545.
- Lynn, M. R. (1986). Determination and quantification of content validity. *Nursing Research*, 35(6), 382-385.
- Nelson, M. C. (2012). *Assessing parenting behaviors of a southern, rural community using the Ghent Parental Behavior Scale*. Master's Thesis, East Carolina University.
- Rohner, R. P. (1986). *The warmth dimension: Foundations of parental acceptance-rejection theory*. Beverly Hills, CA: Sage publications, Inc.
- Skinner, E., Johnson, S., & Snyder, T. (2005). Six dimensions of parenting: A motivational model. *Parenting: Science and Practice*, 5(2), 175-235.
- Sleddens, E. F., Gerards, S. M., Thijs, C., de Vries, N. K., & Kremers, S. P. (2011). General parenting, childhood overweight and obesity-inducing behaviors: A review. *International Journal of Pediatric Obesity*, 6(2-2), e12-e27.
- Sleddens, E., Mâsse, L., Kremers, S., O'Connor, T., Thijs, C., Sioen, I., ..., Power, T. (2016). Validation of the Comprehensive General Parenting Questionnaire and associations with children's eating behavior and BMI. *Appetite*, 101, 224.
- Sleddens, E. F. C., O'Connor, T. M., Watson, K. B., Hughes, S. O., Power, T. G., Thijs, C., ... Kremers, S. P. J. (2014). Development of the Comprehensive General Parenting Questionnaire for caregivers of 5-13 year olds. *International Journal of Behavioral Nutrition and Physical Activity*, 11, Article 15.
- Van Leeuwen, K. G., & Vermulst, A. A. (2004). Some psychometric properties of the Ghent Parental Behavior Scale. *European Journal of Psychological Assessment*, 20(4), 283-298.
- Van Rinsum, C. E., Gerards, S. M. P. L., Rutten, G. M., van de Goor, I. A. M., & Kremers, S. P. (2018). The coaching on lifestyle (Cool) intervention for obesity, a study protocol for an action-oriented mixed-methods study. *BMC Public Health*, 18(1), 117.
- Verhoeven, M., Deković, M., Boddien, D., & van Baar, A. L. (2017). Development and initial validation of the Comprehensive Early Childhood Parenting Questionnaire (CECPAQ) for parents of 1-4 year-olds. *European Journal of Developmental Psychology*, 14(2), 233-247.